

🗨 **گفت‌وگو**
📍 **مهساگریندی**

جنگ آمد، اما شهر ایستاد و مقاومت کرد. تهران، زیر آوار و انفجار، پروژه‌های عمرانی را ادامه داد. لودرها و پیل‌های مکانیکی از همان روزهای نخست بحران، در خیابان‌ها کار می‌کردند. برخی پروژه‌ها، بدون تشریفات خاصی، زیر موشک‌باران افتتاح می‌شدند. گویی هر موشک و هر انفجار، نه‌تنها امیدها را از بین نمی‌برد، بلکه انگیزه نیروها را برای تکمیل سریع‌تر پروژه‌ها بیشتر و بیشتر می‌کرد. آن سوی دیگر، مردم با روحیه همبستگی و غیرت ملی، هر مانعی را به فرصت تبدیل کردند. آنها با حضور در خیابان‌ها و سردادن فریاد «الله اکبر»، پیمانکاران و نیروهای شهرداری را دلگرم می‌کردند. این اما، اول راه بوده‌و هست، راهی که قرار است شهر و شهروندان را مقاوم‌تر از همیشه کند. «جوان» برای بررسی فعالیت‌های عمرانی پایتخت و مقاومت شهر در روزهای جنگ و اقداماتی که پس از آن قرار است انجام شود، با مهدی صدقانی، مدیرعامل سلسازمان مهندسی و عمران شهرداری تهران، گفت‌وگو کرده‌است. شرایط جنگ چگونه بر پروژه‌های شهری تأثیر گذاشت و اقداماتی که انجام دادید چه بود؟

جنگ‌های تحمیلی، به‌طور طبیعی روند پروژه‌های شهری را کند می‌کنند، زیرا مانند سایر شهروندان، پیمانکاران و نیروهای اجرایی نیز تحت تأثیر شرایط بحرانی قرار می‌گیرند و فعالیت‌های عادی آنها مختل می‌شود. بااین حال، مدیریت شهری تلاش کرد حتی در دشوارترین شرایط، چراغ پروژه‌ها خاموش نشود و بلافاصله پس از آتش‌پس، پروژه‌ها دوباره فعال شدند؛ به‌طوری‌که تقریباً یک هفته پس از پایان جنگ، بیشترین پروژه‌ها از سر گرفته‌شد.

جنگ ۱۲ روزه، نخستین تجربه غیرمنتظره‌و ناگهانی برای شهر بود و تهران آمادگی کامل برای مقابله با چنین بحران گسترده‌ای را نداشت. در این شرایط، نقش ماشین‌الات عمرانی بسیار حیاتی بود؛ زیرا حجم گسترده‌ای از آوار و تخریب‌ها، بدون تجهیزات سنگین قابل مدیریت نبود. از همان روزهای ابتدایی، لودرها، پیل‌های مکانیکی، کمپرسی‌ها و جرثقیل‌ها توسط معاونت فنی و عمرانی و پیمانکاران به مناطق مختلف شهر اعزام شدند تا عملیات امدادرسانی و آواربراری با سرعت بیشتری انجام شود. در طول جنگ، حدود ۲۰ قطعه از شهر عملیات خدمات‌رسانی و پشتیبانی انجام شد و پیمانکاران به همکاری و همدلی، تجهیزات خود را از اختیار شهرداری قرار دادند. این هم‌راهی و همکاری باعث شد تا روند مدیریت بحران با سرعت و دقت بیشتری پیش برود و خدمات شهری دچار اختلال شدید نشود.

پس از جنگ اول، شهرداری برای افزایش آمادگی در

مواجهه با بحران‌های احتمالی، ناوگان ماشین‌الات خود را تقویت کرد و حدود ۲۰ لودر و ۲۰ بیل مکانیکی

به مجموعه خدمات شهری اضافه شد. این اقدام موجب شد عملکرد شهرداری در جنگ‌های بعدی منسجم‌تر و

مؤثرتر باشد، به‌طوری‌که در جریان جنگ اخیر، ۷۰۰ مورد عملیات کمک‌رسانی و پشتیبانی در نقاط مختلف

انجام شد.دو بخش از آن نیز به حمایت از سازمان‌های دیگر، مانند سازمان پسماند، اختصاص یافت تا خدمات شهری

دچار وقفه نشود.

ماشین‌الات معاونت فنی و عمرانی همچنین در اختیار سایر سازمان‌ها قرار گرفت تا فعالیت‌های حیاتی آنها متوقف

نشود. برای مثال سازمان بهشت زهرا در هر دو جنگ، از این ظرفیت برای احداث قطعات جدید استفاده کرد.

در مجموع، مدیریت شهری تهران بر این اصل پایبند بود که حتی در شرایط جنگ، روند توسعه و خدمت‌رسانی به

📍 **گزارش**
📍 **زهرآچندری**

توسعه وزارتخانه‌های بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی و رفاه

و نظام ار جاع بعد از فریب به ۲۰ سال به سر و سامانی

برسد، چراکه پزشکیان در دوره وزارت خودبر وزارت

بهداشت از میدان برنامه پزشک خانواده بود وجود

این طی دو سال ریاست جمهوری پزشکیان آتقدیر

حوادث گوناگون پیش آمد که شاید آنطور که باید و

شاید فرصت مهلنی برای اجرایی‌شدن برنامه پزشک

خانواده فراهم نبود حالا هم وزیر بهداشت، درمان

و آموزش پزشکی، با تأکید بر ضرورت حفظ کرامت

و افزایش سواد سلامت شهروندان، نهایی‌سازی

نظام پزشک خانواده و ارجاع ر اولویت‌های

دولت برای تحقق عدالت در نظام سلامت پرشمره.

در ماه‌های پایانی سال گذشته در حال زمانی که لایحه

بودجه ۱۴۰۵ در خانه ملت در حال چکش‌خوری بود

بازبینی لایحه بودجه‌نشان می‌داد عزم دولت برای اجرای

برنامه پزشک خانواده در ۱۴۰۵ جدی‌تر است، چراکه

بودجه مناسب‌تری برای اجرای این طرح اختصاص داده

شده‌بود، به گونه‌ای که بر در لایحه بودجه سال ۱۴۰۵، با

افزایش ۱۲۴ درصدی اعتبارات «برنامه پزشک خانواده و

نظام ار جاع» مواجهیم، بودجه‌ای که نشان می‌دهد قرار

است پس از سال‌ها نظام سلامت برای مدیریت منابع

به شکلی جدی با رویکرد پزشک خانواده و نظام ارجاع

پیش برود.

📍 **طرح ۲۰ساله‌ای که هنوز راه نرفته‌اند**

تصویب طرح پزشک خانواده به برنامه چهارم توسعه

و سسال ۸۶باز می‌گردد، مطابق بند ۹۱ از قانون چهارم

جامعه

سروس اجتماعی ۰۶۰۸۸۵۲۲

مقاومت شهر در دل جنگ در گفت‌وگوی «جوان» با مدیرعامل سازمان مهندسی و عمران شهرداری تهران

هر چه حمله می‌شد، ساخت‌وسازها را بیشتر می‌کردیم!



محمد مهدی صافی|جوان

شهروندان متوقف نشود. به‌ویژه زمانی که زیرساخت‌ها هدف حملات قرار گرفت، تلاش شد پروژه‌های جدید با جدیت بیشتری دنبال شوند تا روند توسعه شهری ادامه یابد و مردم از خدمات کلیدی محروم نمانند. هر چندر حمله می‌شد، ما قصد داشتیم روند ساخت‌وساز را بالا ببریم و به دشمن نشان دهیم که حملاتش بی‌اثر است.

پروژه‌های عمرانی چگونه ادامه یافتند و حتی افتتاح شدند؟

پراکندگی نقاط آسیب‌دیده در جریان جنگ، باعث شد برخی پروژه‌های عمرانی متوقف شوند. نمونه بارز آن، پروژه بزرگراه شهید شوشتری در شرق تهران بود که به دلیل مجاورت با یادگان‌ها و محدوده‌های تحت اختیار ارتش، عملاً در طول جنگ فعالیت اجرایی نداشت. پس از آتش‌بس و با توافق انجام‌شده با ارتش، مسیر در اختیار مهندسی اجرایی قرار گرفت و اکنون پروژه مسیر ۹ کیلومتری این بزرگراه در حال تکمیل است. برنامه‌ریزی شده که فاز نخست این بزرگراه تا اوایل خرداد افتتاح شود. با وجود این محدودیت‌ها، برخی پروژه‌ها در شرایط جنگ ادامه یافتند و حتی به بهره‌برداری رسیدند. برای مثال، در هفته نخست جنگ، پروژه زیرگذر چهارراه قهوه‌خانه، به وجود باقی‌ماندن برخی جزئیات پایانی، بدون تشریفات معمولی افتتاح شد. این پروژه به‌دلیل معارضات متعدد تأسیساتی و پیچیدگی‌های اجرایی، حدود چهار سال زمان برده بود و مدیریت شهری ترجیح داد به‌جای انتظار برای شرایط عادی، آن را سریع‌تر در اختیار شهروندان قرار دهد.

تلاش برای ادامه پروژه‌ها حتی در روزهای پایانی سال و هم‌زمان با شرایط جنگی ادامه یافت. به عنوان نمونه، عملیات بتن‌ریزی عرشه در تقاطع نواب انجام شد، اقدامی که حتی در شرایط عادی نیز در روزهای پایانی سال کمتر صورت می‌گیرد. در پروژه‌های دیگری مانند زیرگذر میدان سپاه نیز با وجود نزدیکی به مراکز نظامی و احتمال خطر، عملیات اجرایی، خاکبرداری و جابه‌جایی تأسیسات بدون توقف ادامه یافت.

حتی در مناطقی که حملات هوایی رخ می‌داد، پروژه‌ها متوقف نشدند و مدیریت شهری آنها بر تکمیل سریع‌تر

کار و جلوگیری از عقب‌افتادن پروژه‌ها تمرکز داشتند. این شرایط جلوه‌ای از روحیه مسئولیت‌پذیری، شجاعت و تعهد نیروهای اجرایی بود، روحیه‌ای که محدود به مجموعه مدیریت شهری نبود و در بخش زیادی از جامعه نیز مشاهده می‌شود. در تمام روزهایی که کشور درگیر تجاوز بود نوعی همبستگی و غیرت ملی میان مردم وجود داشت. با هر صدای انفجار، فریاد «الله‌اکبر» بلندتر می‌شد.

و برخلاف آنچه در بسیاری از کشورها رخ می‌دهد، مردم از محل دور نمی‌شدند بلکه احساس می‌کردند باید حضور پررنگ‌تری داشته باشند. این انرژی جمعی و همدلی، به روحیه نیروهای اجرایی و پیمانکاران پروژه‌های عمرانی نیز منتقل شد. نتیجه‌این تلاش‌ها، افتتاح حدود ۴۰ پروژه عمرانی و اجرای ۶ میلیون تن آسفالت در معابر شهری بود.

هم‌اکنون تقریباً هیچ پروژه متوقف‌شده‌ای در شهر وجود ندارد و حدود ۶ میلیون تن آسفالت درگیر پروژهای عمرانی فعال عمرانی هستند. کارگاه‌ها به‌صورت فشرده از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب فعالیت و برنامه فشرده افتتاح پروژه‌ها از اردیبهشت تا شهریور ادامه دارد، به طوری که هر ماه چند پروژه به بهره‌برداری می‌رسد. این تجربه نشان داد که حتی در شرایط بحرانی، با برنامه‌ریزی دقیق، مدیریت منابع و تجهیزات و روحیه همبستگی، می‌توان پروژه‌های عمرانی را ادامه داد و خدمت به مردم را متوقف نکرد.

چه اقداماتی در رابطه با ساخت‌وساز پناهگاه‌های شهری برای شهروندان و آمادگی در شرایط بحران انجام دادید؟

در زمینه ساخت پناهگاه‌های شهری، وظیفه اصلی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری بر عهده سازمان مدیریت بحران شهر تهران است. معاونت فنی و عمرانی نقش اجرایی را بر عهده دارد؛ به این معنا که در صورتی که پروژه‌های تصویب و ابلاغ شود، شهرداری مسئول ساخت و اجرای پناهگاه‌ها و تأمین زیرساخت‌های موردنیاز خواهد بود.

لازم است به این نکته توجه کنیم که ایران، برخلاف برخی کشورها که هژنیت و ساختار توسعه‌شان بر اساس شرایط جنگی و دفاع دائمی شکل گرفته‌است، در دهه‌های گذشته تمرکز بر توسعه شهری عادی و اقتصادی پیش

آسفالت حتی بهتر از پیش‌بینی‌های اولیه بوده و نتایج آن مورد تأیید مراجع فنی قرار گرفته‌است. استفاده از آسفالت پلیمری و مصالح مقاوم‌تر نیز باعث افزایش دوام و عمر مفید معابر شده‌است. در بخش پروژه‌های بزرگ‌راهی، چند طرح کلان در حال اجراست. بزرگراه شهید شوشتری در شرق تهران که پیش‌بینی می‌شود حدود ۱/۵ درصد از ترافیک کل تهران و نزدیک به ۵ درصد از ترافیک شرقی شهر را کاهش دهد. همچنین ادامه بزرگراه یادگار امام در شاخه غربی بزرگراه شهید بروجردی و محور دوکاز در غرب تهران از پروژه‌های دیگر است که شبکه ارتباطی میان بزرگراه‌ها و مسیرهای منتهی به شهریار را تکمیل می‌کنند. علاوه بر آن، پروژه‌های بلندمدتی مانند اتصال بزرگراه شهید صیاد شیرازی به آزادگان از طریق تونل ۹ کیلومتری نیز در برنامه قرار دارند.

عمده شهروندان دو مطالبه اصلی کاهش آلودگی هوا و ترافیک را مطرح می‌کنند، پاسخ شما به این مطالبه چیست؟

آلودگی هوا و ترافیک، مسائلی نیستند که با یک تصمیم یا اقدام منفرد حل‌شود. این چالش‌ها، نیازمند همکاری همه دستگاه‌ها، از تولید خودروهای باکیفیت گرفته تا توسعه حمل‌ونقل عمومی و تکمیل زیرساخت‌های شهری هستند. تنها وقتی همه این عوامل هم‌زمان پیش بروند، می‌توان به کاهش آلودگی هوا و ترافیک امیدوار بود.

در حوزه فنی و عمرانی که مربوط به ما می‌شود، از ابتدای این دوره، تمرکز ویژه بر شناسایی و اصلاح تقاطع‌ها و حرکات ناقص ترافیکی تهران گذاشته شد. نقطه‌ای که رانندگان برای یک حرکت ساده ناچار بودند چند کیلومتر مسیر اضافی طی کنند. برای نمونه، در برخی اتصالات مسان بزرگراه‌های باقری و بابایی، نبود مپ مستقیم باعث می‌شد مسیر کوتاه ۲۰۰ متری تبدیل به پیمایشی تا ۵ کیلومتری شود. این حرکات ناقص نه‌تنها زمان رانندگان را هدر می‌دهد، بلکه مصرف سوخت، استهلاک خودرو، آلودگی هوا و حجم ترافیک را افزایش می‌دهد. به همین دلیل، ۹۸ نقطه دارای گره و اتصال ناقص در تهران شناسایی شد، که در مجموع حدود ۷۲۰ کیلومتر پیمایش اضافه به شهر تحمیل می‌کرد. برآوردها نشان می‌دهد اصلاح این گره‌ها می‌تواند روزانه یک میلیون لیتر در مصرف سوخت صرفه‌جویی ایجاد کند.

تألمرز، ۶۰ مورد از این تقاطع‌ها و حرکات ناقص اصلاح شده و بخش قابل توجهی از بار ترافیکی شهر کاهش یافته است. یکی از نمونه‌های شاخص، زیرگذر جنت‌آباد در غرب تهران است که اتصال مستقیم میان بخش‌های شمالی و جنوبی این محور را فراهم کرد و بسیاری از پیمایش‌های اضافی را حذف کرد. هم‌زمان، مطالعات تخصصی برای شناسایی گره‌های اصلی ترافیکی انجام شد و تاکنون ۹ گره مهم ترافیکی برطرف شده‌اند. یکی از این نقاط، بزرگراه شهید همت در مسیر غرب به شرق بود، مسیری که به دلیل کاهش عرض بزرگراه و طراحی غیراستاندارد ورودی گاندی، حتی در ساعات کم‌تردد نیز با ترافیک مواجه می‌شد و بار آن به بزرگراه‌های اطراف منتقل می‌گردید. مطالعات فنی نشان داد مشکل اصلی، برهم‌خوردن تعادل خلوط حرکتی در این محدوده است. بنابراین، طرح اصلاحی شامل احداث یک دهانه پل جدید روی خیابان ولیعصر، جداسازی ورودی گاندی از مسیر اصلی و اصلاح اتصال کندرو و تندرو شد، اقدامی که برآوردها نشان می‌دهد می‌تواند حدود ۸۰ درصد از گره ترافیکی این محدوده را کاهش دهد.

باتکمیل این پروژه‌ها و ادامه اصلاح گره‌های ترافیکی دیگر، امیدواریم نه‌تنها مسیرهای روزمره شهروندان کوتاه‌تر و روان‌تر شود، بلکه سهم تهران در کاهش مصرف سوخت و آلودگی نیز شود. به شکل ملموس افزایش یابد.

رشته است. به همین دلیل، موضوع پناهگاه‌های گسترده شهری به‌عنوان یک اولویت زیرساختی اصلی تاکنون در برنامه‌های شهری قرار نداشت است.

با وجود این، نیاز به ایجاد و توسعه پناهگاه‌های شهری در شرایط بحرانی قابل انکار نیست و تصمیم‌گیری در این زمینه باید در سطح مدیریت بحران و با در نظر گرفتن برنامه‌های جامع شهری انجام شود.

مهم‌ترین اقدام معاونت فنی و عمرانی شهرداری را در این دوره چه می‌دانید؟

اگر از شهروندان بپرسیم شاخص‌ترین عملکردهای شهرداری در این دوره چه بوده، احتمالاً بهضت آسفالت و بهبود وضعیت معابر شهری یکی از اولین پاسخ‌هایشان خواهد بود. طی سال‌های گذشته، وضعیت آسفالت معابر تهران مطلوب نبود و بسیاری از بزرگراه‌ها و خیابان‌ها، نیازمند احداث یک دهانه پل جدید روی خیابان شهرنشان می‌گفتند. دهها آسفالت خیابان‌ها را ندیدم. برای جبران این عقب‌افتادگی، در این دوره حدود ۶ میلیون تن آسفالت در سطح شهر اجرا شد. که رضایت نسبی قابل توجهی در میان مردم ایجاد کرد.

برای تحقق این هدف، برنامه‌ریزی گسترده‌ای انجام شد. بررسی‌ها نشان می‌داد تهران سالانه به حدود یک میلیون ۵۰۰ هزار تن آسفالت برای نگهداری مطلوب معابر نیاز دارد، در حالی که ظرفیت موجود شهرداری باعث تولید حدود ۵۰۰ هزار تن بود. در نتیجه، کارخانه‌های قدیمی تولید آسفالت بازسازی و نوسازی شدند، دو کارخانه جدید خریداری شد و در مقاطعی از ظرفیت بخش خصوصی نیز استفاده کردید. افزایش توان تولید داخلی باعث کاهش هزینه‌ها و تسهیل دسترسی به تأمین‌کنندگان بیرونی شد. در کنار توسعه زیرساخت‌های تولید، استفاده از آسفالت بازیافتی و فناوری‌های نوین در دست‌سور کار قرار گرفته است. تراشه‌های آسفالتی که هنگام تراش معابر تولید می‌شوند، دارای مصالح ارزشمندنی مانند شن، ماسه و قیر هستند. شهرداری با الگوبرداری از تجربه‌نشان برچانی، کارخانه‌های داخلی و خارجی برای تولید آسفالت بازیافتی راه‌گشود. تا آنکه آزمایش‌های اولیه نشان داد کیفیت این

بهداشتی و درمانی در شرایط جنگی کوتاه‌نماید.»

وزیر بهداشت ادامه داد: «بسیاری از کشورها، اگر به یک دم تجویزی در این مراکز تبدیل نشود و همواره در کانون توجه باشد.»

■ **پشت پرده ۲۰سسال تعلل در اجرای پزشک خانواده**

برخی از کارشناسان معتقدند به دلایل مختلفی عزم جدی برای اجرایی‌شدن نظام ار جاع و پزشک خانواده وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین این پشت پرده‌ها، تعارض اجرایی شدن نظام ار جاع و پزشک خانواده با منافع برخی پزشکان متخصص و فوق تخصص است که موجب شده این طرح ۲۰ سال در گیر و دار اجرایی شدن باقی بماند.

در حالی که بسیاری از طرح‌های دیگر بدون گذراندن مراحل کارشناسی به سرعت اجرایی می‌شوند؛ نمونه آن تحت تحول سلامت است که با وجود نواقص متعدد و نیاز به بودجه فراوان اجرایی شد و در نهایت هم نظام سلامت را با چالش‌های متعددی همراه کرد.

حالا چنانچه نظام ار جاع و پزشک خانواده با رویکرد پیشگیرانه پیش برود و برخی دست‌های پشت‌پرده‌ای که با استقرار نظام ار جاع منافعتش تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد، مانع از اجرایی‌شدن این نظام آن هم بعد از ۲۰ سال نشوند و صد البته در صورتی که طی این ۲۰ سال خلأهای این نظام رفع شده و زیرساخت‌های آن برای اجرا در سطح کشوری آماده شده‌باشند، می‌توان امیدوار بود اجرایی شدن پزشک خانواده و نظام ار جاع بتواند در شرایط سخت کنونی منابع اندک سلامت را به‌بترین نحو مدیریت کند.

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ | شماره ۱۶۰۱ | جوان

🗨 **یادداشت**

📍 **تسلیم اسپر مز صلح**



محمدرضا محمدی

وکیل دادگستری

پس از آنکه بین دو کشور به هر دلیلی وضعیت جنگی به وجود می‌آید، این وضعیت ممکن است پیوسته ادامه پیدا کند و حتی توقیف در مورد آن وجود نداشته باشد؛ یعنی این جنگ ممکن است دهها سال طول بکشد. با وجود اینها زمانی که قرار باشد این تخصص تمام شود، حالت‌ها و صور مختلفی را می‌توانیم برای آن تصور کنیم.

مثلاً یک عنوانی به نام آتش‌بس داریم. این آتش‌بس بسیار شکننده است؛ یعنی می‌گویند فعلاً کسی به سمت دیگری حمله نکند تا ببینیم چه می‌شود، اما به دلایل مختلفی ممکن است این آتش‌بس نقض شود. کما اینکه همین الان در تجاوز رژیم غاصب صهیونیستی به کشورهای لبنان و فلسطین شاهدیم که آتش‌بس بسیار شکننده و در واقعیت در حال نقض است. از این جهت، آتش‌بس حالتی از انمام درگیری است که نمی‌توانیم بگوییم درگیری تمام شده‌است.

یک حالت دیگر وضعیتیتی است که کشورها به صلح می‌رسند، مثل آن چیزی که در مورد ایران و عراق اتفاق افتاد. این دو کشور قرن‌ها به عنوان ملت‌های مسلمان با هم برادر بودند، ولی حزب بعثی در عراق حاکم شد و به کشور ما حمله کرد. منتهای بعد از گذشت مدت‌ها، بالاخره ما با عراق به حالت صلح رسیدیم و این صلح پایدار است. اکنون نه‌تنها بین دو کشور دشمنی نیست، بلکه برادراری‌ها شکل گرفته و می‌بینیم مثلاً در ایام اربعین ایرانی‌ها آنجا حاضر می‌شوند و مورد پذیرایی قرار می‌گیرند یا برعکس در طول سال آنها به زیارت امام ز(ضاح) می‌آیند. کلاً در حالت صلح و دوستی ما هم هستیم و هیچ شکنندگی احساس نمی‌شود. این شرایط به ما نشان می‌دهد برای اینکه صلح مقرر و پایدار باشد، نیازمندان این است که کشورها در به یک سری اصول و توافقی دست پیدا کنند. یعنی یکسری از اصول را برای خودشان قرار بدهند و هر دو طرف به این اصول پایبند باشند تا این صلح اتفاق بیفتد و منافع هر دو کشور تا اندازه‌ای که خودشان تبیین و تفسیر می‌کنند رعایت شود. به این وضعیت صلح می‌گویند.

اما ازوای دیگری به نام تسلیم‌شدن نیز داریم. کشوری که در میدان نبرد، پیروز می‌شود و قدرت نظامی او به کشور دیگری می‌چرد، قوانینی برای کشور دیگر تعریف می‌کند. کشور پیروز به کشور مغلوب اعلام می‌کند که مثلاً تو باید از این قوانین تبعیت کنی و الا من به تهاجم ادامه می‌دهم و کلاً کشورت را نابود می‌کنم. تسلیم شدن به نوعی به معنای پذیرفتن تمام خواست‌های کشور دیگر و زمین‌گذاشتن منافع خودی است.

اما تسلیم‌شدن به معنای پایان جنگ نیست. برخلاف صلح، در مورد تسلیم شدن نه‌تنها شرایط مشخص، چرا که در تمام می‌شود، بلکه شروع در حله جدیدی از تهاجم است، چرا که در حالت تسلیم، یک کشور سلاح خود را زمین می‌گذارد و کشور دیگر انواع تهاجمات را به آن انجام می‌دهد. سوابق این تهاجمات بسیار متنوع است؛ از تهاجم فرهنگی گرفته تا تهاجم و تعرض نسبت به خبرنگارها و حتی آقایان سرزمین تسلیم‌شده وجود دارد، کشتار بی‌رحمانه دهها و حتی صدها هزار نفر در تاریخ وجود دارد، و هر آنچه که بخواهند در مورد کشور تسلیم‌شده انجام می‌دهند، مثلاً در عراق وقتی که به نوعی تسلیم افراد آمریکا دادند، بعد از آن امریکایی‌ها میلیون‌ها نفر را کشتند، منابع‌شان را برند، نفت‌شان را غارت می‌کنند و هر نوعی بخواهند که به آنها ظلم می‌کنند. کشوری که تسلیم شده، دیگر اراده و توانی ندارد که بخواهد کاری را انجام دهد، چون سلاح‌ها از زمین‌گذاشتن افراد باید انقضائاً حذف شوند. تماماً آسیبی می‌خوریم. دیگر ضامت اجرایی هم وجود ندارد که آن کشور را با آن تهدید کند و مجبور شود کذاز قانون تبعیت کند.از این جهت، تسلیم نه‌تنها منجر به اتمام جنگ نیست، بلکه نوع جنگ را تغییر می‌دهد و از حالتی که برای کشتن افراد باید اقتضار وجود داشته‌باشد به شرایطی می‌رسد که حتی نیاز به آتش نیز نیست.

حال در مورد اتفاقات کشور ما و آن چیزی که امریکا پیشنهاد می‌کند نیز پیشنهاد آنها صلح نیست، بلکه آن چیزی که بین ما دارد اتفاق می‌افتد. این است که آنها از ما می‌خواهند تسلیم شویم

تا بتوانند بدون آسیب به تهاجم خود به کشور ما ادامه دهند. از کجای می‌فهمیم این پیشنهاد، پیشنهاد تسلیم است؛ از اینکه آنها به ما می‌گویند شما ممکن است بخواهید از انرژی‌تان برای تسلیح بسازید، می‌گفتند برای راقبول تسلیح و انرژی‌تان از زمین‌گذازید.

برد موشک‌هایتان را انقدری کاهش دهید که نتواند به ما آسیب بزنید، حتی در دانشگاه‌هایتان این موارد را تدریس کنید و آن موارد را تدریس نکنید. با در مورد پذیرش بعضی از قوانین مثل به رسمیت شناختن همجنس‌یازی اظهار نظر می‌کنند، یا می‌خواهند

برای ما در خصوص تشکیل ائتلاف منطقه‌ای مقاومت با کشورهایی مثل عراق، یمن، لبنان، فلسطین و مانند اینها تعیین تکلیف کنند.

می‌خواهند قدرت را با بگیرند، چون بحث تسلیم است و این کار را می‌کنند تا بتوانند حاکمیت خودشان را بر ما با زور، قهر، غلبه و

فشار بقیولانند و هیچ آسیبی هم نبینند. حال سؤال این است که اگر

ما به این شکل تسلیم شویم، آیا منجر به این می‌شود که دیگر آسیب

نبینیم و صلح برقرار می‌شود؟! اینگونه نیست، بلکه تازه جنگ به

شکل دیگری مطرح می‌شود، تماماً آسیبی می‌خوریم. دیگر هیچ آسیبی نمی‌توانیم وارد کنیم، و این فقط در مورد کشور ما نیست،

در مورد هر کشوری است که تسلیم شود.

حالا بعضی با مغالطه دو واژه صلح و تسلیم را با هم خلط می‌کنند و می‌گویند برویم در مورد درخواست صلح امریکایی‌ها مذاکره کنیم، در حالی است که در خواست مذاکره آنها در خواست برای تسلیم‌شدن ماست. اگر قصد ما تسلیم شدن با امتیازگیری در تسلیم‌شدن است، خوب مذاکره سودمند است. اما اگر قصدمان صلح باشد، خیلی بعد از تسلیم شدن در این وضعیت ما بتوانیم به صلح برسیم، چراکه قصد آنها اصلاً ایجاد صلح نیست، بلکه قصد آنها تسلیم کردن ماست.

حالا چطور می‌توانیم وضعیت تسلیم را به صلح تغییر دهیم؟ یک حالت بیشتر ندارد، این هم این است که در میدان نبرد جنگ شویم و برنده جنگ باشیم. این حالتی است که قوانین را تصویب می‌کند. آن کسی که قدرتش در میدان چربید و توانست از نظر نظامی به دیگری خواسته‌اش را تحمیل کند، می‌تواند شرط بگذارد و قوانین پس از جنگ را تعریف کند و ما فقط در این یک حالت می‌توانیم از آنها امتیاز بگیریم و به صلح پایدار برسیم.

بنابراین تنها راه رسیدن به صلح پایدار که بتوانیم منافع، آزادی عملکرد و عزت‌مان را داشته باشیم، این است که قدرتمان به قدرت آنها نیلیم. کنگد، حالا چه با جنگ مستقیم و چه از طریق اعمال قدرت، مثل همین بستن تنگه هرمز و آنها را به جایی برساند که متوجه شوند از طریق جنگ مستقیم نمی‌توانند امتیازات بیشتری از ما بگیرند و ما را به تسلیم برسانند.